

## مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤید الاسلام  
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
 و یومیه (جلالتین)  
 (عنوان مراسلات)  
 طهران خیابان لاله زار  
 نایب مدبر میرزا سید حسن کاشانی  
 غیر از روزهای جمعه همه روزه  
 طبع و توزیع میشود

## یومیه

# کابل‌الملین

۱۳۱۱

## طهران

قیمت اشتراك سالیانه  
 طهران ۴۰ قران  
 سایر بلاد داخه ۴۵ قران  
 روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
 سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک  
 (قیمت يك نسخه)  
 در طهران يكصد دینار  
 سایر بلاد ایران سه شاهی است  
 اعلان سطری دو قران است

(روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)  
 (بامضا قبول و دو انتشارش اداره آزاد است و مطلقا مسترد نمی شود)

چهارشنبه ۱۵ صفر المظفر ۱۳۲۶ هجری قمری و ۱۸ مارس ۱۹۰۸ میلادی

(تعادل قوی راجع بشماره قبل)

عرض کردیم که شرط اعظم بقا و دوام جمعیت و نگهداری مملکت مساوی بودن قوای دولت و مملکت است و اتحاد با یکدیگر که از فرط یگانگی و شدت اتحاد یکی نمایند و هر دو حافظ حقوق و شئون یکدیگر باشند در مملکتی که دولتیان نخواهند سلب حقوق سی کرور یاصد کرور ملتی را نمایند و آنها را از حقوق مشروع خود محروم گذارند و زمام امور آنها را بدست تصرف و اختیار خود گرفته و کیف یثاؤن رفتار نمایند هرگز عزت و اقتدار برای آن دولت دست ندهد و همواره بضعف و تدنی رو نماید و رفته رفته بکلی معدوم صرف گردد و همیشه از غنیمت خارجی محظوف و بر استقلال خویش لرزان باشد اگر چه ساحت کشورش نصف کره و عده لشکرش از ستاره فزون باشد همینکه در کشور او قوای ملی ندیدند و مملکت را مقهور دولت یاققند طمع تصرف و قصد تملک در آن ملک نمایند و بوسایل عنیده اندولت را در تحت نفوذ و سیاست خود در آورند چنانکه از حکومت چین و سایر ممالک وسیع این مثله معلوم میشود و هم چنین اگر مملکتی از قوای دولتی جلویگیری کنند و بر آنان برتری جویند و در اجرای حکم در حق یکی از اجزای دولت و افراد مملکت تفاوت گذارند و عموما در برابر قانون مساوی ندانند تضائق و اختلاف پدید آمده در واقع حکم کله بی شبنارا یابند و کرکان اجانب بدون خوف و هراس بر آنان ناخته و طعمه خود نمایند پس بر عموم اهالی یک مملکت از هر طبقه که باشند لازم است که این دو قوه را بطور اتحاد در میزان تعادل و تساوی وادارند و فرقی ما بین این دو ندانند بطوریکه فرد فرد مملکت این دو قوه را از خود

دانسته و مراقبت خود را بر هر دو واجب شمارد این است که در ممالک متعده ایدا تمیزی ما بین این دو قوه نمیکارند و هر دو را در حد اعتدال نگاه داشته اند بطوریکه هیچکدام ممکن نیست سر موئی بتواند بر دیگری زیاده کند چون قانون در کار است و اجرای هر حکمی بدون قانون نمیشود محالست که در یکی ضعف و قوت و در دیگری قوت و اقتدار مشاهده شود اگر دولت با تمام قوای خود نخواهد حق جزئی یکی از افراد متراضیع کند نخواهد توانست یا اگر مملکت نخواهند یک شعبه بدست قوای دولتی از کار باز دارند ممکن نخواهد بود و هرگز تصور نمیشود که اصلا بدخیال افتند زیرا که هم دولت و هم ملت دانسته اند که دوام استقلال و حریت آنان موقوف بوجود این دو قوه و تعادل آنهاست از این سبب در حفظ هر دو نهایت سعرا دارند و در اتحاد و اتفاق خویش از طرفین منتهای کوشش را می نمایند بسمیکه دولت و ملت بحسب ظاهر دو لفظ و دو فرقند ولی در معنی و باطن یک روح و دو پیکرند ما ایرانیان اگر بخواهیم استقلال خود را تامین نمائیم و بر حیات قومی خویش مطمئن باشیم باید سعی در انتظام این دو قوه نمائیم و وسائل اتحاد و تعادل ازا فراهم کنیم و از ضعف و نقصان هر یک پرهیز کرده و تساوی هر دو را لازمه سعادت و شرف خود دانیم و این سعادت برای ما دست ندهد مگر آنکه در هیچ کاری بر خلاف قوانین مقرر رفتار نمائیم و مانع اجرای حکمی بر خلاف قانون نشویم بلکه نهایت مراقبت را داشته باشیم که هر قانونی بموقع اجرا شود در حق هر که باشد در مقام تعصیر چه از اجزای دولت و چه از افراد مملکت آنچه را که قانون

مقرر فرموده بلاتامل جاری نمائیم و فرقی نگذاریم و بر خلاف قانون مشروطیه رفتار نکنیم دوست و دشمن را در حکم قانون مساوی شماریم و این مراقبت و نظارت بر تمام مایه فرض است عموماً و بر وکلای شوری و انجمنهای ملی خصوصاً که ممانع و رادعی رادرا حرای قانون بردارند و جای هیچ بهانه و تسامح نگذارند و هر خلاف قانونی را چه از دولت و چه از ملت چه در حق و چه در حق خائن چه در حق خادم مانع شوند و مخالفتش را دشمن خود شناسند و با همه از روی قانون رفتار کنند بهینیم این ضعف فتوری که در مملکت ماست و این انقلابی که در این مملکت مشاهده میشود و این تزلزل و اضطرابی که خالق گرفتارند بواسطه ضعف کدام یک از این دو قوه است و کدام یک از کار افتاده یا کدام بر دیگری زیادتى میکند که باعث اینگونه اختلال امور گشته واضح است که تا بدو مشروطیت مله دارای قوت از خود نبودند و مرده متحرک مینمودند اول جنبشی که ملت در اظهار حیات و ابراز قوه خود نمودند همان اخذ حقوق مشروعه و برداشتن طوق رقیبت از گردن خود بود که لوای آزادی افراشتند و خود را از زیر بار کران عبودیت نجات دادند از برای حفظ منافع قومی از تطاول دیگران و تمین حقوق افراد و نظارت بر خویش و مصلحت اندیشی ملک و ملت و ارتقا بدارج مجد و سیادت تالیس شوری کردند و آزادی افکار و اقلام گرفتند و مجامع و محافل بر پا کردند مسلم است که قوای ملت که تازه از زیر رفتار مستبدین خلاص گشته و از ان محبس های تنگ و تاریک بدی نجات یافته روز بروز بواسطه استنشاق هوای لطیف ازادی تموم میکنند و ساعت بساعت ترقی مینمایند ولی بر همه عالم محسوس گشت که در این کشمکش ملت و مصارعت باید خواهان دولت حرکتی از ایشان ناشی نشد که باعث ضعف و سستی قوای دولت گردد و هیچ یک از قوای دولتی را منمحل و نابود نکرده یا بتصرف و اختیار درسیا آورند و هرگز مانع از اجرای هیچ یک از احکام قانونی دولت نشدند چنانکه او از نجات و تمدن این ملت بتمام اقطار زمین رسید و باعث تعجب و مورد تحسین و آفرین دیگران گشتند — پس آنچه را که در صرف قوای دولتی بهانه میکنند و علت عدم پیش رفت کار میکنند و هر روزمانی تازه پیش میکنند هیچ نیست مگر اینکه میخواهند این تسامح و دست بکار تردن و شورش و انقلاب در مملکت بهم آوردن خیالات محال خود را صورت دهند و ملت را از خیال منصرف کرده و مشروطیت را بطور دیگر بسوای جنبه دهند و از مجلس دلبرد کنند والا اگر درست ملاحظه کنیم برپوچی از قوای دولت نگاهداری بلکه با امرای ملت

نهایت ترقی را دارد و جز عمدا بکار نرسیدن دولتیان این نا امنی و انقلابات داخله علنی ندارد و هیچ کس از پیش رفت امور حکومتی هیچ یک از حکام جلو گیری ننموده و مالز برای اثبات مطلب و نگاهل رجال دولت دوشاهد خوب داریم یکی رفتن ظهیر الدوله است تنها با کیف دستی خود بحکومت همدان و تثبیت دادن امور انامان که در همچو ولایتی ابداً صدا از کسی بر نخواست دیگر دستگیری سالار الدوله بان استعداد و جمعیتی که فراهم کرده بود که بان زودی و آسانی مغلوب و جمعیتش متفرق شد حالا میسریم از امانه دولت علیه که ان قوه قویه بکجا رفت که شیخ محمود بایک مشت ورامینی در سه فرسخی پایتخت که مرکز تمام قوای دولتی است مشغول جاییدن و غارت رعبه باشد و شما هر روز یک بهانه بیمنی در رفع فساد و اظهار کنید و وقتیکه نهایت فشار از مجلس و ملت بشما وارد شود هر دو را با اقدامات لازمه میشود ساکت نماید آیا از عهده شما خارج بود که پنج فوج منظم در عرض دو سال در سرحد آذربایجان داشته باشید که اینهمه اتلاف مال و نفوس و عرض و ناموس به بندگان خداست ندهد آیا این قوای دولتی در کجائنگفتند که باینکه از وضع شیراز بخوبی مسبوق بودید و اتفاق و عداوت و دویت آنانرا میدانستید و مکرر در جراید نوشتند که اگر در فرستادن استعداد و لوازم امنیه بفارس مسامحه شود بسی فتنهها احداث خواهد شد ابداً اعتنا نکردید و بنگر نتدید باینکه مکرر از شیراز در خواست استعداد نمودند و چه قدر نوشتند که اگر قوام بشیراز بیاید گشته و باعث انقلاب عظیمی خواهد شد هیچ گوش نکرده و برعکس قوامرا بتلکاهش فرستاده و کردید آنچه کردید حالاهم باز مشغول اقدامات لازمه هستید چه ضعفی در قوای دولتی حادث شد که شما از تاملین ورامین هم عجز یافته اید بلکه از خود پایتخت نیز امنیه را مرتفع نموده اید که شی نیست که دو نفر و سه نفر کشته نشوند و خونشان با مال نکرده و شما جز بفر صورت دادن اسراض خود ابداً توجهی بمملکت و رعیه ندارید هر جا که احتمال ضرری برای خود دارید تمام قوی موجود و در نهایت استعداد است و فوری اقدام میکنید چنانچه در مسئله سالار الدوله در سه روز کارش را تمام کردید ولی ششماه است که نظر دزد که یکی از همراهان سالار الدوله بود یک صفحه لرستان را آتش کیده و آبادی نکذاشته هیچ بفر بندگان خدا و ودایع الهی نیستید و از رفیع شر یک دزد اظهار عجز میکنید آری چون در اینجا ضرری برای خود تصور نمیکنید و قتل و غارت مسلمانان را منافی شئونات خود نمیدانید بلکه یک اندازه این آشوبها را باعث پیشرفت مقاصد خود میشمارید این است که دست روی دست گذاشته

الیانه  
۴۰ قران  
۴۵ قران  
۱۰ منات  
۳۰ فرانک  
سخه  
دینار  
شاهی است  
قران است  
مارد این است  
قوه نمیکارند  
بطوریکه  
یکری زیادتی  
حکمی بدون  
فتور و در  
دولة با تمام  
د مآثر اضایع  
ك شعبه است  
بود و هرگز  
که هم دولة  
حریت آنان  
است از این  
در اتحاد و  
می نمایند  
و دو فرقه اند  
ما ایرانیان  
و بر جبات  
ظام این دو  
را هم کنیم و  
تساوی هر  
این سعادت  
ی بر خلاف  
لمی بر خلاف  
که هر قانونی  
مقام تعبیر  
را که قانون

و بیکار نشسته اید بلکه میتوان گفت کمک در خرابی هم مینمایید و معامله ساده لوح را هر روز بحرفی سر کرم دارید

تبریز

در جریده مقدس مجلس در شماره دوازدهم مورخه ۴ ذی قعدة الحرام صورت تظلمنامه ایرانیان مقیم مصر که از مقام مقدس دارالشورای کبری در رفع شرو بیدادی بقاه السلطنه برادر ارفع الدوله مستدعی شده اند و مختصری از اعمال و رفتار سفیر کبیر و پرا دران و خواهر زادگان دیگرش در ممالک قفقازیه و عثمانی که وارث مردگان و قبیله زندگان و از ارتکاب رذالت نشان فروشی و بی کفایتی آنها و فروش ماهوریتها بارازل و اوپاش اظهار داشته اند و کلانی مجلس مقدس بعوض دفع شر مستبدین خدا نشاناس که در پادشایست بجزای اعمال و کفر اعمال رسانیده و تمامی ایرانیان مسافرن خارجه را مسرور و سر بندند فرمایند یا لامحاله احضار فرموده و تحت استنطاق عدالت آورده ترحم به در بدر شده کان وطن فرموده آسوده فرمایند از درج و نشر روزنامه چه منفعتی حاصل خواهد شد البته مضالمه و باره و هزار حرف دیگر هم خواهند زد همه میدانند این سفیر کبیر را که بجان و مال و عرض ایرانیان ماسط کرده اند کویا کفایت نماید این شکایتها از بقاه السلطنه ارفع الدوله را امید وار نمود که در چاپیدن رعایا و جمع کردن پول کفایت دارد عنقریب است که وزیر مختاری یکدولتی را در حتش از دولت علیه مستدعی شوند چنانچه در پارسال محمد ابراهیم بیگ نامی در حین وفات حاجی میرزا حسن اصفهانی از طرف سفارت کبری باز میرفته مغازه و ذخیره پنجاه ساله بیچاره را با حراج بریقیمت فروخته تجار ایران مقیمین از میر بسفارت کبری از تمدی مشر الیه شکایت کردند اعتنا نشده بعد بمدیر روزنامه مقدس جبل المتین هفتگی شاکي شدند درج و نشر و مجازات محمد ابراهیم بیگ و اخراج او را از سفارت کبری مستدعی و چگونگی حالات مشار الیه را هم معلوم کردند بر تغیر سفیر کبیر افزوده در مقابل مجازات بمشار الیه اظهار لطف فرموده الان جنرال قونسول لکری اسلامبول سپرده بایشان است از میرزا مهدیخان مؤید الوزاره که جوان فباک و هتائست و وکاله جنرال قونسول لکری اسلامبول واداشت بجهت چاپیدن فقرای ملة و تمدی زیاد تجار اسلامبول اخراج و تبعید مشار الیه را از سفیر خواستند جناب سفیر دیدند در اسلامبول دیگر به تعدیات مشار الیه متحمل نخواهند شد از وکالت جنرال قونسولی اسلامبول بجای میرزا عبدالمحمد خان مجد انوزاره که از مامورین قدیم در سنکار وزارت امور خارجه است به تقصیر دولتخواهی و ملة دوستی معزول هشت ماه قبل

که حقیر در اسلامبول بودم مراجعت باذر با بجنان نموده معلوم نیست در گوشه کدام دهی با حاله ناامیدی بسر می برند آیا چگونه وکلای عظام ملة و اولیای دولت و روا می دارند چنین اشخاس با صداقة و امین و در سنکار که حل خبی لازم داریم بیکار و مثل میرزا تقی شومر خواهر ارفع الدوله که در جزیه غلامان کار کداری آذربایجان تحت ریاست سید حسنخان یوز باشی غلامان بوده یکدفعه جناب میرزا تقی خان و جنرال قونسول بصره بشود احترام دولت و حقوق ملة را بر باد کنند محض اینکه داماد سفیر است باید پولی ذخیره نمایند و سایر برادر و خواهر زادگان سفیر که از شا کرد صرافی و دکانهای بقالی احضار قفقازیه و اسلامبول شده هر کدام بمنح قونسول و جنرال قونسول بشوند زیاده از این نخواهد شد که حقوق دولت و ملة بر باد و رعایا را احترام یکنفر یهودی در خارجه نباشد تا کی باید این بیگانه و بزاز مال و جان مردم مسلمان باشند آنچه ذخیره و بیاناتهای خارجه گذاشتند کفایه است تمام که نخواهد شد از اهل تبریز انها کی اینها را می شناسند البته عرایض بنده را تصدیق خواهند فرمود که این صد یکی از او صاف حضرات نیست خود اقل با حاجی حسن عمو ایروان که آدم فقیر و پدر ارفع الدوله است شناسائی داشتیم اغلب بحجره ما آمد و رفت داشت ولی اولاد و احفاد مرحوم یکدفعه این ترقیات را که کردند نیایستی بکلی حقوق دولت و ملة را لکد کوب و بایمال نمایند مستدعی است با درج و نشر یکی از سخایف روزنامه مقدس بنظر اولیای دولت و وکلای ملة رسانیده یاد آوری فرمایند که مظلومیه اینهمه تجار و فقرای ایران را در خارجه فراموش نفرمایند

(احقر و وطنخواهان ابن الحاج فرج الله رحیم تبریزی)

دوم استنطاق مشهدی عبدالله — سؤال . شما کیجائی هستید و شغل شما چیست — جواب . شغل معدنچی و اهل اسکو میباشیم و هفت سال است از تبریز بیاد کوبه رفته مشغول معدنچی گیری فقط میباشیم — سؤال . چند وقت است بطهران آمده اید بچه خیال این مسافرت را کرده اید — جواب . پیش از محرم از باد کوبه بیرون آمدیم دهر روز آتارا بودیم و چند روز هم در شهر رشت بخمال زیارت عتبات بطهران آمدیم سه چهار روز بمحرم مانده — سؤال . چند نفر بودید که از باد کوبه حرکت کردید و در طهران کجا وارد شدید جواب . چهار نفر بودیم از باد کوبه حرکت کردیم باسای چهار نفر بنده مشهدی عبدالله اکبر وزینل و مشهدی محمد در روز ورود بطهران بکاروانسرای حاجی علی بیاده

شده سه  
بصرافت  
کرد  
شخص بی  
دکان سنک  
کرده بهلا  
اجاره  
که آن خانه  
این مدت  
چند مرتبه  
و تعزیه  
مجلس مقد  
میرتید با  
شما ترفقه  
دومرتبه  
اتفاق افتا  
شب جمعه  
رویم صبی  
مراجعت  
دیگر آمد  
ومن رقم  
خبر آورد  
مضطرب  
طول کشید  
شنیده بود  
باها هم  
سؤال  
کرایه خانه  
برویم قر  
سؤال  
جواب  
یکروز از  
جهت رقیم  
بردیم بدر  
بود که او  
خوب نیس  
معتل شو  
وجلبان چ  
شدیم دو  
رسیدیم در  
یادرسکه ر

با بیجان نموده  
 نامیدی بسر  
 لیبای دوله و را  
 و در نکار که  
 ز اتقی شوهر  
 ان کار کداری  
 باشی غلامان  
 ترال قونول  
 را بر باد کند  
 و نمایند و سایر  
 کرد صرافی و  
 شده هر کدام  
 زیاده از این  
 رعایا را احترام  
 این پشاک و  
 و بیانکهای  
 هد شد از اهل  
 مایض بنده را  
 از او صاف  
 عمو ایروان که  
 داشت اغلب  
 احفاد مرحوم  
 ی حقوق دوله  
 می است بدرج  
 نظر اولیای دوله  
 مظلومیه اینهمه  
 نفرمایند  
 (حجیم تبریزی)

شده سه چهار شب ماتدیم — سوال ، چه شد که  
 بصرافت خانه گرفتن افتادید وی خانه از جهة شما پیدا  
 کرد — جواب ، خودمان در تقصیر بر آمده و از  
 شخص پینه دوز که چهار شبه نام داشت ودکانش جنب  
 دکان سنک تراشی میدان حمام فراشباشی است خانه اجاره  
 کرده بملاحظه یکماهه محرم آن خانه را بمبلغ ده تومان  
 اجاره کرده بانجارقیم  
 که آن خانه جنب دکان پینه دوز واقع است . سوال . در  
 این مدت یکماه که در طهران بودید چه میکردید . جواب  
 چند مرتبه بمحضرت عبدالعظیم رقیم وایام عاشورا بروضه  
 و تعزیه میرقیم یاقی ایام در خانه وگاهی عصر را در  
 مجلس مقدس میرقیم . سوال . هر وقت بمحضرت عبدالعظیم  
 میرقید بارفقا بافقا میرقید یالینکه شده است آنها روند  
 شما نرفته باشید ، جواب . دو مرتبه بارفقا ماهم رقیم  
 دو مرتبه خودشان رفتند . سوال . آروزیکه این نارنجک  
 اتفاق افتاد شما کجا بودید چه می کردید . جواب .  
 شب جمعه بارفقا قرار دایم که صبح را بمحضرت عبدالعظیم  
 رویم صبح بر خواسته رقیم بمحضرت عبدالعظیم عصر  
 مراجعت کرده دوتنر از رفق بازار رفتند من بایک نفر  
 دیگر آمدم بمنزل درب منزل را باز کرده صدائی شنیدیم  
 ومن رقیم درب مجلس مراجعه کرده بعد پینه دوز مذکور  
 خبر آورد که برای شاه تفنگ انداختند من برای رفق  
 مضطرب شدم نادوب مجلس رفته آنها را نیاقم یکساعت  
 طول کشید مشهدی محمد و ذینل آمده . سوال . آنها  
 شنیده بودند یاخبر . جواب . بله چهار شبه پینه دوز  
 باها هم گفته بود بعد دیگر از خانه بیرون نیامدم تا فردا .  
 سوال . چونشد بخنال رفتن افتادید . جواب . چون  
 کرایه خانه سر آمده بود رقیم اداره راه قم دلبران کرقیم  
 برویم قرار شد فردا برویم فردا رقیم بلیط کرقیم .  
 سوال ، چه شد باین عجزه بخنال حرکت کر بلا افتادید  
 جواب . چون یکماه اجاره خانه سر آمده بود و اگر  
 یکروز ازماه دوم می ماندیم میبایستی ده تومان بدیم باین  
 جهة رقیم دلبران کرایه کردیم صحیح باحمال اسباب هامانرا  
 بردیم بدرب کارخانه راه قم برویم یک آخوندی در آنجا  
 بود که او هم بمخواست بقم برود گفت امروز ساعت  
 خوب نیست تروید گفتم ما مسافریم بیش از این نمیتوانیم  
 معطل شویم چهار نفری بدلیجان نشسته از میدان توپخانه  
 و جلمان چراغ کاز از دروازه حضرت عبدالعظیم خارج  
 شدیم دوساعت ازروز گذشته بود بمحضرت عبدالعظیم که  
 رسیدیم درب قهوه خانه دلبران را نگاه داشته یکسایه  
 یادرسکه رسید و گفت شمارا در شهر خواسته اند باید

مراجعت نمایند مشهدی محمد و ذینل را ما فرستادیم بشهر  
 وسایه پهلوی ماماند که رفقاکاغذ از نظمیته آورده از ممانت  
 نمایند بقدر یکساعت گذشت ده بازه درشکه مملو از اجزای  
 نظمیته رسیدند آنجا شش لول و یازده منات طلا عبارت از  
 ده مناتی و پنج مناتی با چهارده هزار یاشادزده هزار پول  
 سفید از جنب ما بیرون آوردند مارا در دلبران نشانده  
 آوردند بشهر که شما بشاه نارنجک انداخته و هشت روز  
 است در نظمیته محبوسیم و اسباب های مارا گرفته . سوال .  
 نزد مشهدی محمد چه قدر پول بود .

جواب دو عدد اسکناس صدمناتی روس پهلوی او بود و  
 یکی از آنها را خورد کرده و نیمدانم چه قدر از او خارج  
 کرده بقیه با آن صدمنات روسی پهلوی اوست تقریباً باید  
 هفتاد هشتاد تومان باشد

سیم استنطاق مشهدی ذینل از اهل امر قراجه دافع بیج  
 شش ساک بیاد کوبه از حجه کاسی رفته در انجا قهوه چی  
 بوده در او اخر شهر ذیقعد ۱۳۲۵ با مشهدی عبدالله  
 و مشهدی محمد و مشهدی اکبر بعزم زیارت کر بلا از  
 بادکوبه حرکت کرده تمام استنطاقاتش مطابق بود باستنطاق  
 مشهدی محمد الا اینکه چهار تومان که سه تومان اسکناس  
 و یکتومان پول سفید همراه داشته و از مشار لیه گرفته اند  
 چهارم استنطاق مشهدی علی اکبر اسکوئی که ده سال است  
 بیاد کوبه رفته در قریه صابونچی سکنا داشته بقالی داشته  
 در او اخر ذیقعد با مشهدی عبدالله و ذینل و مشهدی  
 محمد بعزم زیارت از بادکوبه حرکت کرده مابق استنطاقاتش  
 مطابق بود با مشهدی عبدالله و الا اینکه می گوید چهار  
 تومان پول سفید در جیبم بوده است و از آن ده دوازده  
 هزار خرج نموده بقیه آن را معتضد دیوان بایک شش لول  
 در حضرت عبدالعظیم از من گرفته اند و شش تومان  
 اسکناس مشهدی کریم زندان بان از من گرفته با اسبابها

ترجمه تلکرافات خارجه

ازلندن در مجلس لردها قیس مورس در جواب  
 لر دکارزون در خصوص راه آهن ایران اظهار داشته که دوله  
 انگلیس اجرای تمهداتی که شاهنشاه ایران در سنه ۱۸۸۹  
 بدوله انگلیس نموده و مفاد آنها این است که در صورت ظهور  
 راه آهن در شمال ایران دوله انگلیس در امتداد خطوط راه  
 آهن جنوبی اتمملکت حق اولویت بر سایرین داشته باشد  
 خواهد خواست لکن تا موقعیکه قرار داد بین دولتین روس  
 و ایران راجع بر راه آهن اتمملکت باقی و مرعی است امید  
 وانتظار امتداد راه آهن در ایران در نظر نیست  
 ( حسن الحسینی الکاشانی )